

فقه تربیت جنسی (کتاب)

نویسنده خلاصه: مهدی محمدی
نویسنده کتاب: علی نقی فقیهی

چکیده

فقه تربیت جنسی کتابی فارسی در حوزه فقه تربیتی با هدف بررسی مسائل و آموزش‌های مرتبط با غریزه جنسی انسان است. علی‌نقی فقیهی نویسنده کتاب، غریزه جنسی را یک امر انسانی و طبیعی می‌داند. به باور او بازگشت به اصل فطرت به‌عنوان مبنای تربیت و سلامت رفتاری، وجه مشترک همه مردان و زنان به شمار می‌آید. او منشأ مبانی تربیت فطرت و منشأ همه ارزش‌ها را عقل می‌داند که می‌تواند گرایش عاطفی به خدا و حتی همسر را ایجاد کند.

به باور فقیهی در نگرش فقهی زن و مرد دارای فطرتی یکسان هستند، به همین دلیل آنها در مقابله با هنجارها و نابهنجارها رویکرد برابری دارند. از نظر وی نگرش کرامتی به همسر عامل مهمی در روابط زوجین است و از توانمندی‌های روان‌شناختی زوجین به حساب می‌آید. او عنوان می‌کند اسلام غریزه جنسی را از امور طیب به شمار می‌آورد.

تربیت جنسی از نظر نویسنده هشت مبنا دارد، و هر مبنایی چندین اصل را نتیجه می‌دهد. طبیعی‌بودن نیاز جنسی، میل به محبت و فضیلت، فرزندخواهی و ضابطه‌مندی و نظم‌خواهی از مبنای تربیت جنسی هستند. چنان‌که رعایت دستور العمل‌های شرعی و اخلاقی در رابطه جنسی و نیز رفتارهای اخلاقی متقابل بین همسران و مشارکت در تربیت فرزندان از اصول تربیت جنسی به‌شمار می‌روند.

معرفی اجمالی و ساختار

کتاب فقه تربیت جنسی، کتابی در حوزه فقه تربیتی به قلم علی‌نقی فقیهی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم است که در سال ۱۴۰۲ش توسط نشر منهاج علم و با همکاری دانشگاه جامع امام حسین(ع) به زبان فارسی به چاپ رسیده است. نویسنده انتخاب موضوع تربیت جنسی را به دلیل ابتلای زیاد جامعه امروز به آن دانسته است و اینکه فقه شیعه باید در این زمینه به آموزش وظائف شرعی مرتبط با ساحت جنسی مذکر و مؤنث و روابط حسنه و عاطفی آنها بپردازد تا زمینه رشد و تعالی انسان‌ها فراهم شود.

روش نویسنده آنچنان که از مقدمه کتاب بر می‌آید، استبای فقهی همه‌جانبه با توجه به مبانی فطری، اهداف، اصول و قواعد تربیتی بوده است. این کتاب محصول درس‌های مؤلف است که از سال ۱۳۹۹ش شروع شده است. استفاده و ارجاع فراوان به آیات قرآن و احادیث مربوط به زن و مرد از ویژگی‌های این کتاب است به‌گونه‌ای که در هر بخش به تعداد قابل توجهی حدیث استناد شده است. هر چند در هیچ موردی بحث سندی یا دلالتی مفصل انجام نشده است.

به گفته نویسنده، این کتاب به بحث‌های جدیدی اشاره کرده است؛ ازجمله: آمیخته بودن وظایف فقهی و تربیتی در ادبیات آموزشی معصومان(ع)، بیان مسائل زیربنایی فقه تربیت

جنسی اعم از مبانی، اصول و اهداف و تشریح نگاه تربیتی معصومان(ع) به مسائل مرتبط با زوجین. در واقع کتاب فراتر از تربیت جنسی به روابط بین زوجین نیز پرداخته است و بخش زیادی از کتاب به همین مسئله اختصاص یافته و کتاب سرشار از توصیه‌های رفتاری و اخلاقی است.

ساختار

کتاب فقه تربیت جنسی در هفت فصل تنظیم شده است. فصل اول به مقدمات فقه تربیت جنسی می‌پردازد از جمله تبیین برخی مفاهیم مانند تربیت، تربیت جنسی و رابطه آنها با فقه (ص ۸۷-۳۱). فصل دوم به بررسی ادبیات موجود در این زمینه اختصاص یافته است (ص ۸۹-۹۹). در فصل سوم و چهارم به مبانی و اصول فقه تربیت جنسی پرداخته شده است. در این زمینه به یازده مبنا اشاره شده است؛ از جمله اشتراک زنان و مردان در فطرت، کمال‌طلبی، آزادی‌خواهی، احساس کرامت، میل به لذت و گرایش به جنس مخالف (ص ۱۰۴-۱۶۷).

فصل پنجم به تبیین مسئله عقل و ارزش آن از منظر روایات و کارکردهای آن در بحث اختصاص دارد (ص ۱۶۹-۲۲۲). نویسنده در فصل ششم ذیل عنوان بهنجاری و نابهنجاری، به مواردی چون ملاک‌های بهنجاری و نابهنجاری و پیامدهای آن، عوامل گرایش به شر و تقویت اراده و توانمندی‌های زوجین در ارتباط تربیتی پرداخته است (ص ۲۲۳-۲۷۱). در نهایت اصول مرتبط با مبانی تربیت جنسی در فصل هفتم بررسی شده است. در این زمینه نویسنده به مواردی چون طبیعی بودن نیاز جنسی، تمایل به معنویت، میل فطری به همدم، میل به زیبایی، فرزندخواهی و ضابطه‌مندی و نظم‌خواهی پرداخته است (ص ۲۷۲-۲۶۷).

رابطه تربیت جنسی با فقه

تربیت جنسی از نظر نویسنده عبارت است از اینکه فرد در سنین کودکی، نوجوانی و جوانی به‌گونه‌ای آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا گردد، آن را بپذیرد، نقش مذکر یا مونث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد، احکام آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با هم‌جنس و روابط با جنس متفاوت را فرا بگیرد، آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده پیدا کند، با مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط با همسر آشنا گردد، به آرامش برسد و به‌گونه‌ای توانمند شود که عواطف و فعالیت‌های جنسیتی را در جهت قرب الی الله بکار گیرد (ص ۸۱).

توانمندی‌های اصیل انسانی: مبناي تربیت جنسی

از نظر نگارنده منظور از مبانی تربیت جنسی، توانمندی‌های اصیل انسانی است که مبنای نگرش‌ها، امیال و فعالیت‌های مربوط به جنس مذکر و مونث قرار می‌گیرند. به باور او، مسیر تربیت افراد در حوزه جنسی از طریق مبانی مشخص می‌شود (ص ۱۲۱). آزادی‌خواهی و تمایل به رهایی، گرایش به خیر و خوبی و تنفر از رفتارهای نابهنجار، حقیقت‌جویی و واقعیت‌پذیری، احساس کرامت و عزت، زیبایی‌گرایی، میل به لذت و پرهیز از ناراحتی، محبت‌خواهی و گرایش به جنس متفاوت، از جمله ویژگی‌های دیگر است که در خلقت و تکوین انسان‌ها اعم از زن و مرد به صورت مشترک وجود دارد (ص ۱۴۸-۱۶۰).

به زعم نویسندگان یکی از ویژگی‌های مشترک فطری زن و مرد، کمال‌طلبی است که باید مبنای فعالیت‌ها از جمله تربیت جنسی باشد. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که اشتراک زن و مرد در کمال‌خواهی، مبنای وظایف آنان در زندگی مشترک است، این بدان معنی است که هر یک باید برای نیل همسرش به کمال، تمام کوشش خود را به کار گیرد (ص ۱۴۳-۱۴۷).

غریزه جنسی

غریزه جنسی، بنابر تعریف نویسندگان ساختار واحد متشکل از مجموعه‌ای مرتبط مانند رفتارها، عواطف و معنویت است، بنابراین در استخراج اصول تربیت جنسی از مبنای ذکر شده علاوه بر بعد فیزیکی زن و مرد، امر روحی و روانی نیز باید مورد توجه قرار بگیرد (ص ۱۳۳).

به عقیده نویسندگان غریزه جنسی از نظر اسلام یک امر انسانی و طبیعی است؛ و از سرکوب کردن آن باید اجتناب کرد؛ البته آنچه در خصوص غریزه جنسی مذموم می‌داند و فطری محسوب نمی‌شود، افراط و تفریط در اعمال آن است (ص ۱۲۶-۱۲۷). دلیل طبیعی دانستن این غریزه، روایت متعددی از جمله روایتی از پیامبر (ص) است که به مبارزه با تفکر رهبانیت اشاره دارد (ص ۱۲۲).

عقل

نویسندگان با تکیه بر این که عقل از ویژگی‌های فطری مشترک بین زن و مرد است، (ص ۱۶۷) یک فصل را به عقل اختصاص داده (ص ۱۷۱-۲۲۲) که بسیاری از مباحث آن ارتباط روشنی با تربیت جنسی ندارد. جز این که توضیح می‌دهد که محبت و عاطفه از کارکردهای عقل است، و عقل توانایی رشد توانمندی عاطفی و گرایش‌های مطلوب انسان را دارد، یعنی عقل می‌تواند گرایش عاطفی به همسر را ایجاد کند و هرگاه که زن و مرد در عقل عاطفی ضعف مشاهده کنند، به وسیله عقل تجربی می‌توانند آن را کامل کنند (ص ۱۹۱-۱۹۹). او همچنین در پایان این فصل در بحثی درباره نقصان عقل زنان مدعی است در روایت به هیچ تمایزی میان زنان و مردان اشاره نشده است، و منظور از نقص عقل، عقل تجربی است دارد که با توجه به شرایط زندگی زنان در صدر اسلام، برای آنها بکار رفته است (ص ۲۰۷-۲۱۰).

بهنجاری و نابهنجاری

پژوهشگر در فصل ششم کتاب بیان می‌کند که در رویکرد اسلامی رفتار بهنجار رفتاری است که با طبیعت انسان سازگاری دارد و افراد بشر بدون دخالت عاملی عارضی به سوی آن گرایش دارند و آن را به صورت طبیعی انجام می‌دهند. نابهنجار نیز رفتاری است که با طبیعت انسان ناسازگار است و به دلیل اموراتی عارضی از طبیعت و فطرت انحراف دارد (ص ۲۲۷).

رفتارهایی که منشاء آنها فطرت است و با بدیهیات اخلاقی هماهنگ است، همچنین تمایلات و رفتارهایی که با احکام خداوند نیز هماهنگی دارد، ملاک طبیعی بودن یک رفتار محسوب می‌شود (ص ۲۲۷-۲۲۹). در نگرش فقهی زن و مرد دارای فطرتی یکسان هستند، و در مقابله با هنجارها و نابهنجارها رویکردی یکسان دارند (ص ۲۳۶-۲۴۳). از همین جهت

است که در رویکرد اسلامی زوجین نسبت به همدیگر نقش آمرانه ندارند، بلکه نقش یاورانه، تربیتی و راهنمایی دارند و مهارت‌های لازم را در این زمینه را کسب می‌کنند، به این معنا که به وسیله کسب خرد و تجربه خود را رشد می‌دهند و خود را برای کمک به یکدیگر مهیا می‌کنند (ص ۲۴۴).

اصول مرتبط با مبانی تربیت جنسی
فصل هفتم کتاب فقه تربیت جنسی به ارتباط اصول و مبانی تربیت جنسی اختصاص یافته است. مؤلف مبانی تربیت جنسی را ویژگی‌های طبیعی شناختی و گرایشی می‌داند که در انسان‌ها به صورت واقعی وجود دارد و منشأ و مبنای ادراکات، امیال، کشش‌ها، صفات و فعالیت‌های مربوط به جنس مذکر و مونث هستند (ص ۲۷۵). اصول تربیت جنسی نیز عبارتند از نیز قواعد و دستورالعمل‌های نسبتاً کلی که باعث می‌شود فرد در برآوردن نیازهای جنسی به دنبال رضایت خدا باشد. این اصول وضعی و قراردادی نیستند و از مبانی برمی‌آیند، خودشان ریشه در فطرت دارند و ریشه تکالیف هستند (ص ۲۷۶).

طبیعی بودن نیاز جنسی و اصول مرتبط با آن
از نظر نویسنده نخستین مبنای تربیت جنسی، طبیعی بودن نیاز جنسی و هماهنگی آن با خواسته‌های فطری است. علت محبوبیت ازدواج نزد خداوند آمیخته بودن آن با احساسات، امیال انسانی و فضیلت خواهی است، به همین دلیل لذت جنسی علاوه بر این دنیا از بالاترین لذت‌های آخرت نیز محسوب می‌شود (ص ۲۷۶ و ۲۷۷).

بر همین اساس است که نویسنده به چهار اصل طبیعی بودن ازدواج، ضروری بودن ارضای نیاز جنسی، انحصار روابط جنسی در قالب ازدواج، و پرهیز از افراط و تفریط در ارضای غریزه جنسی می‌رسد. از دیدگاه اسلام زن و مرد از جهت طبیعت انسانی، فطرت انسانی، عقل و عواطف یکسان هستند و نیاز جنسی زن و مرد با نیاز به محبت و میل به انس همراه است و این اقدام آنها کاملاً بر اساس طبیعت انسانی صورت می‌گیرد و زمینه ساز قرب و سعادت انسان است. ارضای نیاز جنسی امری لازم و ضروری است که باید در قالب ازدواج انجام گیرد، همچنین در ارضای غریزه جنسی باید از افراط و تفریط پرهیز نمود (ص ۲۷۷-۲۸۳).

تمایل به معنویت و فضیلت و اصول مرتبط با آن
با استناد به این پژوهش، تمایل به معنویت و فضیلت یکی از مبانی تربیت جنسی است. زیرا همه افراد بشر تمایل به معنویت و گرایش به خداوند را در وجود خود احساس می‌کنند و در تلاش هستند، با استفاده از توانمندی‌های خود از جمله ساختار جنسی در این راه پیش بروند. زن و مرد به وسیله ازدواج از خودخواهی به دیگرخواهی، ایثار و فداکاری برای دیگری تغییر می‌کنند، به همین جهت است که هدف غائی تربیت جنسی تحقق بخشیدن به هویت معنوی انسان و پرورش کمالات اخلاقی است (ص ۲۸۹).

نویسنده اصول مرتبط با تمایل به معنویت و فضیلت را عبارت می‌داند از: (۱) عفت و خویش‌نظمی، (۲) لزوم ضابطه‌مندی ارضای جنسی، (۳) لزوم انتخاب همسر شایسته و دیندار، و بالاخره (۴) لزوم همکاری در جهت معنویت. نویسنده مثل بخش‌های دیگر کتاب برای هر اصل به روایات معصومان استناد کرده است (ص ۲۹۰-۳۱۰).

میل فطری به همدم، زیبایی، و محبت نویسنده سه مبنای میل به همدم، میل به زیبایی و نیاز به محبت را نیز مطرح کرده و اصولی چند را بر اساس این مبانی توضیح داده است که عبارتند از: پرورش نگرش انسی به جنس مخالف، تجانس روحی در همسریابی، ازدواج بر اساس خواست دختر و پسر، توجه به زیبایی خود، پرهیز از تبرج، توجه زوجین به زیبایی‌هایی یکدیگر، پیشگیری از محبت زود هنگام، و لزوم توجه به محبت در روابط زوجین (ص ۳۱۰-۳۲۸).

فرزندخواهی

فرزندخواهی نیز از اموری است که نویسنده آن را جزو مبانی تربیت جنسی دانسته است و بر این اساس چند اصل را استخراج کرده که برخی از آنها تفکیک روشنی ندارند و می‌توان آن‌ها را اقدام کرد. این اصول عبارتند از: اقدام به فرزندآوری، توجه والدین به حقوق فرزند، توجه به تربیت فرزند، پذیرش مسئولیت تربیت فرزند از ناحیه والدین، همکاری والدین در تربیت فرزند، برقرار ارتباط عاطفی با فرزند، درک توانمندی‌های فرزند و پرهیز از تحمیل رفتار خاصی بر او، آموزش‌های سودمند فرزند، عدالت در نیکي به فرزندان (ص ۳۲۹-۳۴۱).

کرامت و عزت

ارتقای کرامت و عزت از طریق تقوا، حفظ کرامت به وسیله حسن اخلاق، حفظ کرامت با نابودکردن طمع و آرزوهای طولانی، ارتقای کرامت نفس به وسیله بی‌نیازی از مردم، لزوم اکرام زوجین نسبت به همدیگر، مکلف‌بودن زوجین به اکرام همدیگر، حفظ کرامت همسر به وسیله خوش‌رفتاری، تکریم شخصیت همسر به عنوان نعمت الهی، تکریم شخصیت همسر به عنوان طرف مشاور قرارداد (ص ۳۴۲-۳۵۴).

ضابطه‌مندی و نظم‌خواهی

از نظر نویسنده، میل به ضابطه‌مند بودن، نظم و انضباط در فطرت انسان سرشته شده است و باید در امور زندگی و در رابطه با همسر و تربیت فرزندان به کار گرفته شود. اگر در برخی از روایات ذکر شده است که زن باید در هر شرایطی تمکین داشته باشد، این به معنای بی‌نظم بودن نیست، بلکه روایت در مقام بیان اهمیت و تاثیر اجابت درخواست شوهر است (ص ۳۵۵).

نویسنده برای اصول برآمده از مبنای ضابطه‌مندی تعدادی از دستورالعمل‌های حدیثی ناظر به چگونگی رابطه جنسی بین زن و شوهر را گردآوری کرده است (ص ۳۵۷). اموری مثل: آغاز کردن افعال با نام خدا (ص ۳۵۷)، آراسته بودن زوجین برای همدیگر (ص ۳۵۸)، ارتباط لمسی و معاشقه در بستر (ص ۳۵۸ و ۳۵۹)، رابطه جنسی در شب، عدم وجود شرم و حیا در میان زوجین، توجه انحصاری به همسر در هنگام رابطه جنسی و ابراز تشکر به دلیل رفع نیازمندی جنسی (ص ۳۶۰-۳۶۳).

نویسنده همچنین برخی رفتارهای نکوهیده و ممنوع را نیز برشمرده است. انحراف جنسی و آمیزش با تصویر ذهنی ناسالم (ص ۳۶۵ و ۳۶۶)، ایجاد فاصله طولانی در روابط، روابط جنسی در حضور کودک و آمیزش بدون آمادگی جسمانی از رفتارهایی هستند که موجب نامساعد شدن رابطه جنسی زوجین می‌شود و باید از آنها پرهیز کرد (ص ۳۶۴).